

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه کردستان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

ساحت های شعر سنایی غزنوی

پژوهشگر:

جبار خدامرادی

استاد راهنما:

دکتر تیمور مالمیر

استاد مشاور:

دکتر طیبه فدوی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

اسفند ماه ۱۳۸۸

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات،

ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع

این پایان نامه (رساله) متعلق به دانشگاه کردستان است.

تعهد نامه

اینجانب جبار خدامرادی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه زبان و ادبیات فارسی تعهد می نمایم که محتوای این پایان نامه نتیجه تلاش و تحقیقات خود بوده و از جایی کپی برداری نشده و به پایان رسانیدن آن نتیجه تلاش و مطالعات مستمر اینجانب و راهنمایی و مشاوره اساتید بوده است.

با تقدیم احترام

جبار خدامرادی

۱۳۸۸ / ۱۲ / ۲۰



دانشگاه کردستان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

ساحت های شعر سنایی غزنوی

پژوهشگر:

جبار خدامرادی

در تاریخ ۱۹ / ۱۲ / ۱۳۸۸ توسط کمیته تخصصی و هیات داوران زیر مورد بررسی قرار گرفت و با نمره ۱۹ و درجه عالی به تصویب رسید.

<u>امضاء</u>	<u>مرتبۀ علمی</u>	<u>نام و نام خانوادگی</u>	<u>هیات داوران</u>
	دانشیار	دکتر تیمور مال میر	۱-استاد راهنما
	استادیار	دکتر طیبه فدوی	۲-استاد مشاور
	استادیار	دکتر عیسی نجفی	۳-استاد داور خارجی
	استادیار	دکتر سید اسعد شیخ احمدی	۴-استاد داور داخلی

مهر و امضاء معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی

مهر و امضاء گروه
دانشکده

تقدیم به:

این پایان نامه را به تمام اساتیدم که چراغ راه معرفتند تقدیم می کنم.

به ویژه به استاد فاضل و دانشمند ارجمند جناب دکتر تیمور مالمیر که در این راه رنجها کشیدند.

و تقدیم به همسرم که پشتیبانم بود

و تقدیم به نوگل‌های باغ زندگیم پارسا و مهدی

تشکر و قدردانی

از تمام اساتید عزیزم که در این راه راهنمای بنده بودند تشکر و قدردانی می کنم

به ویژه از استاد عزیزم دکتر تیمور مالمیر استاد راهنمای بنده

و استاد دکتر طیبه فدوی مشاور بنده

که در این راه چراغ راهم بودند

صمیمانه تشکر و قدردانی می کنم

چکیده

محققان به درستی سنائی را بزرگترین شاعری دانسته اند که مضامین عرفانی را به صورت جدی وارد شعر فارسی کرده است. در آثار سنائی با وجود اشعار مهم، اشعاری در هجو و مدح و رکاکت زبانی وجود دارد که از ارزش کار او کاسته است. تذکره نویسان برای حل این معضل افسانه‌هایی مبنی بر تحول روحی او نقل کرده اند که بگویند این اشعار متعلق به دوره قبل از تحول و زمان ناپختگی وی است. محققان معاصر به این مسئله با چشم تردید نگریسته اند و برای حل این معضل همچنان به سخن تذکره نویسان و چند مرحله بودن زندگی سنائی معتقد شده اند. فرض اگر این طور باشد، پس چرا همین معضل چند ساحتی بودن در اشعار دوره پختگی او هم وجود دارد با توجه به اینکه حدیقه سنائی در اواخر عمر او سروده شده است، ما باید برای حل این مشکل حدیقه سنائی را میزان و معیاری قرار دهیم و دیوان اشعار را با آن مقایسه کنیم بینیم همین اشعاری که از ارزش کار او می‌کاهد در حدیقه هم هست یا نه؟ پس از بررسی این مقایسه و مقابله حدیقه و دیوان پی می‌بریم وجود ساحت‌های متعدد جزو ذات اشعار سنائی است و او در تمام دوره های شعر و زندگی خود از انواع ساخت‌ها بهره برده است و نظر بنده این است که سنائی می‌خواسته است در تمام زمینه ها و ساحت‌ها خودی نشان دهد و برتری خود را بر سایر شاعران عصر خود به نمایش بگذارد. همان طوری که بارها در مفاخره و هجو شاعران می‌توان این رمز را گشود.

واژگان کلیدی: سنائی - حدیقه و دیوان - مدح و هجو - عرفان

Error! No table of contents entries found.

فصل اول

کلیات

مقدمه و معرفی

۱-۱- مقدمه

ابوالمجد مجدود بن آدم سنائی غزنوی از شاعران قرن پنجم و ششم هجری است. وی را باید از استادان به حق شعر فارسی و ستاره ای درخشان از کهکشان ادب فارسی دانست چون با خلق آثاری مانند دیوان اشعار و حدیقه الحقیقه که بخصوص از لحاظ کیفی بسیار قابل توجه اند موجب شد تا تغییرات اساسی و عمیقی در روند نظم فارسی حاصل شود.

موضوع مورد بحث در این پایان نامه شناخت ساحت های شعر سنائی غزنوی است. ساحت در این مقال منظور موضوعی کلی است که می توان زیر مجموعه ای از موضوعات جزئی را در بر گیرد یا

موضوعی که به صورت گسترده در اشعار سنائی آمده است و فضایی از سخن شاعرانه او را در بر گرفته باشد. همچون مدح و هجو، عشق و عقل، عرفان و خدا شناسی، اندرز و غیره.

معضلی که باید در این پایان نامه حل شود این است که سنائی در اشعارش تناقض هایی وجود دارد که از یک سو سنائی شاعری است حکیم و دنیا گریز و زاهد و عارف و سخنانش پر است از حکمت و اندرز و اخلاق و عرفان، و از سوی دیگر مدح و هجو و سستی زبان در اشعار او دیده می شود که از ارزش کار کاسته است. شارحان و تذکره نویسان برای حل این تناقض قائل به دو دوره زندگی شاعر شده اند و وی را در یک دوره، شاعری درباری که از شاهان و حاکمان صله و پاداش می گرفته است و دوره دوم زندگی او شاعر مورد نظر ما متحول شده است و به زندگی زاهدانه و گوشه نشینی و عشق و عرفان روی آورده است. شارحان، قدما و تذکره نویسان به افسانه لای خوار متوسل شده می گویند سنائی تحت تأثیر سخنان آن دیوانه لای خوار قرار گرفته است که به ابراهیم غزنوی (پادشاه ممدوح سنائی که در فاصله ۴۵۱-۴۹۲ سلطنت کرده است) اهانت می کند که پادشاهی ظالم است و به فکر کشورگشایی است.^۱

بعد از آن به سنائی اهانت می کند که فقط به فکر مدح شاهان است و در آن دنیا چه جوابی خواهد داشت؟

با توجه به اینکه حدیقه الحقیقه در سالهای بعد از ۵۲۰ (نظر محققین متفاوت است) نوشته شده است^۲، و دوران سلطنت بهرام شاه بعد از ابراهیم غزنوی است^۳ و با توجه به مقدمه دیوان اشعار سنائی چاپ مدرس رضوی صص ۴۵-۵۴ جای شکی نمی ماند که حدیقه الحقیقه (فخری نامه) در اواخر عمر شاعر سروده شده است. پس اگر سخن شارحان و تذکره نویسان صحیح باشد باید حدیقه الحقیقه را بری از هر گونه هجو و رکاکت زبانی و مدح شاهان ببینیم ولی این گونه نیست. البته در اینجا ما حدیقه الحقیقه را اساس قرار داده ایم. چون مشخص نیست که سنائی دیوان اشعار را در طی کل زندگیش سروده باشد هر چند خیلی از قدما نظر بر این دارند که سنائی بعد از آن تحول روحی تمام اشعار مدحی

^۱ تازیانه های سلوک، ص ۱۵

۱ دیوان اشعار - مقدمه صص ۴۵-۵۴
۲ دیوان اشعار صص ۹۳-۹۴

خود را در آب می اندازد^۴ باز هم اینجا جای سؤال است که چرا در قصاید وی تناقض اندیشه دیده می شود. همه این موارد اساس تحول روحی را متزلزل می کند.

۱-۲- پیشینه تحقیق

درباره مضامین و ساحت های شعر سنائی غزنوی به نقل از کتاب تازیانه های سلوک گویا اولین کسی که در این مورد بحث کرده است، ایران شناس ترکیه ای، احمد آتش است^۵ که همین زمینه ای شده است تا محمدرضا شفیعی کدکنی در مقدمه کتاب تازیانه های سلوک این بحث را گسترش دهد و ساحت های شعر سنائی را به سه دسته تقسیم کند^۶

۱- سنائی مداح و هجاگو (قطب تاریک و جودی وی)

۲- سنائی واعظ و ناقد اجتماعی (مدار خاکستری و جودی وی)

۳- سنائی قلندر و عاشق (قطب خاکستری و جودی وی)

محمدرضا شفیعی کدکنی بر این ادعاست که سنائی تا آخر عمر در اشعارش دارای هر سه نوع ساحت است. وی سخن احمد آتش را بر این ادعا اضافه می کند که به قول احمد آتش سنائی تا آخر عمر در دو ساحت و جودی خود یعنی مدح و هجو - زهد و قلندریات - در نوسان بوده است^۷

اسحاق طغیانی در مقدمه کتاب شرح مشکلات حدیقه، سنائی را شاعری می داند که موضوعات مبتذل را وارد شعر فارسی کرده است هر چند معاصران وی مانند مسعود سعد سلمان و عثمان مختاری هم موضوعات مبتذل در شعر دارند، ولی در سنائی این موضوع گسترده تر است و تا آخر عمر دست از این ابتذال نکشیده است. در اینجا اسحاق طغیانی متوجه هجو و ابتذال در اشعار سنائی چه در دیوان و چه در حدیقه الحقیقه شده است. اما لازم ندانسته است بحث را ادامه دهد به دلیل اینکه وی قصد حل ابیات دشوار حدیقه را دارد و شاید هم ذهن وی بیشتر از این وارد بحث نشده است.

^۴ یوان اشعار - مقدمه ص ۳۵

^۵ تازیانه های سلوک، ص ۶۰ قسمت یادداشت ها، شماره ۵

^۶ تازیانه های سلوک، ص ۲۵

^۷ تازیانه های سلوک، ص ۱۶

۳-۱- سؤالات تحقیق

- ۱- ساحت های متعدد شعر سنائی چیست و رابطه ی آنها با هم در حدیقه و دیوان چگونه است؟
- ۲- چرا برای سنائی تحول افسانه ای در تذکره ها نقل کرده اند؟
- ۳- حدیقه الحقیقه به عنوان آخرین منظومه سنائی در فهم و تبیین ساحت های سنائی چه کمکی به ما می کند؟

۴-۱- ضرورت تحقیق

با توجه به دوگانگی و تضاد در اشعار سنائی و نظر و اندیشه قدما که برای حل این مشکل سنائی را دارای دو دوره زندگی دانسته اند و اظهار می کنند سنائی بعد از مدتی متحول شده است یعنی اشعار مدحی و هجوی و درباری مربوط به دوران اول زندگی اوست و اشعار زاهدانه و عارفانه و اخلاقیات مربوط به دوره دوم. پس اگر اینطور باشد چرا در اثر ارزشمند او حدیقه الحقیقه که به یقین در دوران پیری و پختگی عمر او سروده شده است باز همین تناقض ها دیده می شود. در اینجا لازم است درباره سنائی پژوهش بیشتری انجام شود چون نظر قدما در رابطه با تحول روحی سنائی سؤال برانگیز است و قانع کننده نیست.

۵-۱- اهداف تحقیق

- اهدافی که در این تحقیق دنبال می شود به شرح زیر است:
- ۱- درک و شناخت سنائی با توجه به اشعار و مضامین و ساحت های شعری وی نه خارج از اشعار
 - ۲- اگر حدیقه الحقیقه را به عنوان اثر دوران پختگی شاعر ملاک قرار دهیم باید بین مضامین و اندیشه های سنائی در حدیقه الحقیقه با مضامین دیوان اشعار مقایسه ای ریزینانه انجام شود تا پی به اسرار و راز تفاوتها و تناقض های اندیشه سنائی ببریم.
 - ۳- سنائی غزنوی چه ساحت هایی در اشعار خود به کار برده است و بیشتر ساحت های شعر او را بشناسیم تا بیشتر به شناخت شخصیت وی نائل شویم.

۱-۶- روش کار

روش کار بنده در این تحقیق کتابخانه ای بوده است یعنی استفاده از آثار سنائی و آثار نویسندگان دیگر که مرا به سوی هدف سوق داده اند که به ترتیب به شیوه زیر عمل کرده ام:

۱- مطالعه حدیقه الحقیقه یک بار به صورت کلی

۲- گزینش مضامین مختلف به صورت فرهنگ موضوع بر اساس حروف الفبا و در این روش تک تک ابیات حدیقه را بررسی می کردم بارها به عقب بر می گشتم ولی ناامید نمی شدم و بهک ار خود ادامه می دادم.

۳- بعد از اتمام فرهنگ موضوعی حدیقه الحقیقه بر مبنای موضوعات گزینش شده در حدیقه الحقیقه به بررسی و پژوهش در دیوان اشعار مشغول شدم.

۴- در پژوهش دیوان اشعار تک تک ابیات را بررسی می کردم. موضوعاتی در دیوان مشاهده می کردم که در میان مضامین حدیقه الحقیقه ندیده بودم باز هم بارها به حدیقه الحقیقه مراجعه می کردم که این دقت و ترس از ارائه پایان نامه در روز دفاع در جمع دانشجویان و اساتید مرا وسواس تر می کرد.

۵- فیش های تحقیق را طوری طراحی کرده بودم که شاهد مثالها از دیوان اشعار و حدیقه الحقیقه در روبروی هم قرار می گرفت. این کار خیلی از اوقات مرا به یغما می برد به طوری که نزدیک به ۶۰۰ برگ فیش برداری انجام شد.

۶- بعد از اتمام کار دیوان اشعار موضوعات حدیقه الحقیقه و دیوان اشعار را با هم مقایسه و بررسی می کردم و روابط بین آنها را تحلیل کرده و ثبت می نمودم سرانجام به این نتیجه می رسیدم که خیلی از ساحت ها و اندیشه های سنائی در دیوان اشعار با حدیقه الحقیقه ارتباط دارد و تکرار شده است که بر مبنای مطلق و مقید بودن موضوعات و عینی و تضاد بودن آنها یا تعدد نگاه هایی که سنائی در موضوعات داشت به این نتیجه رسیدم. بیشتر موضوعاتی که

در حدیقه الحقیقه وجود دارد در دیوان هم تکرار شده است فقط تفاوتها بیشتر در نگاههای شاعر است و گستردگی موضوعات دیوان که در قسمت نتیجه گیری بیشتر بحث خواهد شد.

۷-۱- علائم اختصاری که در این تحقیق به کار رفته است:

ص = صفحه

س = سطر

- = تا فاصله بین صفحات و سطرها. مثال: ص ۸-۶ که ص ۷ را هم در بر می گیرد.

+ = ذکر شده ← جدول پیوست ها

- = عدم ذکر ← جدول پیوست ها

فصل دوم

مضامین حدیقه و تطبیق آن با دیوان

اشعار

۲-۱-آبرو

۲-۱-۱- اهمیت آبرو- آبرو به صورت مقید با تعدد معانی در حدیقه و دیوان آمده است.

۱- حدیقه: ص ۳۹۷ س ۱۱

از برای پنج روزه راهگذر/ آب روی حیات خویش مبر

موارد مشابه: ص ۲۵۳ س ۱۵

۲- دیوان: از برای کسب آب روی خویش/ آبروی خود به عمدا ریخته ص ۱۰۰۸ س ۲

موارد مشابه: ص ۹۶۱ س ۱۱/ ص ۱۰۰۶ س ۱۱/ ص ۱۰۰۸ س ۹/ ص ۱۰۳۵ س ۱۱/ ص ۱۰۴۱ س ۴

ص ۱۰۴۲ س ۶-۵/ ص ۱۳۲ س ۱۷.

۲-۲-آدم

۲-۲-۱- ارزش آدم- در حدیقه و دیوان به صورت مطلق و عینی بیان شده است

۱- حدیقه: ص ۳۸۴ س ۸

آدمی زاده نازنین باشد/ قهر و لطفش برای این باشد

موارد مشابه: ص ۳۸۲ س ۱۴-۱۵، ص ۳۸۴ س ۴-۲، ص ۳۸۴ س ۱۴، ص ۵۰۰ س ۱.

۲- دیوان: آب در بستان آدم می رود ولیکن چه سود/ از کلوخی گل برون آید ز دیگر سوی خار ص

۲۲۶ س ۸

۲-۳- ارزش و اهمیت آدم- به صورت مقید با تعدد معانی در حدیقه و دیوان

۱- حدیقه: ص ۳۷۵ س ۱۲

آدمی بهر بی غمی را نیست/ پای در گل جز آدمی را نیست

موارد مشابه دیگر: آدمی با گناه: ص ۳۸۵ س ۱۳-۱۰ و ص ۳۸۵ س ۱۶-۱۵

آدمی با هنر و عقل: ص ۳۸۶ س ۵-۳/ آدمی با گناه و توبه: ص ۴۹۸ س ۱۵-۱۴

آدمی با خرد: ص ۴۶۴ س ۳-۲ و ص ۴۵۹ س ۱۶/ آدمی و گندم: ص ۴۲۳ س ۱۲-۱۱

آدمی مردمی و انسانی: ص ۷۰۴ س ۲۰-۵

آدم برای هلاک و پاک شدن: ص ۱۶۹ س ۱۹-۱۸ آدمی که زمین جایگاه اوست: ص ۱۲۷ س ۱۵-۱۴.

۲- دیوان: ص ۹۶۰ س ۲

آدم اندر تهمت خود نیک بخت آمد ز اصل/ با دروغی چند تا کی لاف این آدم ز نیم
موارد مشابه دیگر: ص ۸۷۱ س ۱۱-۴ آدم در میان دام و دانه/ ص ۴۱ س ۵ آدم در بهشت.

۲-۴- آتش

آتش:

حدیقه: آتش دیو: آتشی را که دیو جنباند/ ایزدش جز به خاک نشانند. ص ۴۳۲ س ۹

دیوان: عدم ذکر

۲-۵- مقید آتش زرتشت:

حدیقه: پیش شاخی که نور بار آرد/ نار زرتشت جان نثار آرد. ص ۱۹۹ س ۴

دیوان: عدم ذکر

۲-۶- آتش نمرود و آتش بر ابراهیم:

حدیقه: عدم ذکر

دیوان: آتش نمرود و آن لشکر نمی بینم به جای/ زر آذر را دگر کن منجیق انداخته. ص ۱۰۰۷ س ۸

تعدد نگاه ص ۹۸۰ س ۶.

۲-۷- آتش دل:

حدیقه: عدم ذکر.

دیوان ص ۱۱۳۷ س ۱: ز آتش دل من وز آب روشن تر/ رخسار من از عکس رخت چون خور بود

تعدد نگاه ص ۹۴۱ س ۶-۷

۲-۸- آتش عشق معشوق:

دیوان: ص ۱۰۱۶ س ۱۱-۱۰، ص ۱۰۳۱ س ۴ و ص ۱۱۲۵ س ۱۶-۱۵.

حدیقه: عدم ذکر.

۲-۹- آتش خضر:

دیوان: آب حیوان چو یافت آتش خضر/ کم گراید به یاد ذوالقرنین. ص ۱۰۸۹ س ۱۱.

حدیقه: عدم ذکر.

۲-۱۰- آخرت (آن جهان) به صورت مطلق و عینی

۱- حدیقه: آن جهان:

پایه قدر آن جهانی جوی / سایه و فرّ آسمانی جوی ص ۵۸۹ س ۱۲-۱۱-۱۰

همت اندر نهاد عالی دار/ دل ز کار زمانه خالی دار

دست از این آبهای جوی بشوی / شربت از آب حوض کوثر جوی

موارد مشابه: ص ۱۴۸ س ۱۹-۱۳

۲- دیوان: گر به عقبی دیده داری کوت زاد آخرت/ ور به دنیا تکیه داری همت دنیا را زوال.

ص ۲۴۷ س ۸

موارد مشابه: ص ۱۱۰۳ س ۴.

۲-۱۱- آرزو- به صورت مطلق و عینی

۲-۱۱-۱- ذم آرزو:

حدیقه: صورت آرزو چو طاووس/ بال مسعود و پای منحوس ص ۳۹۷ س ۱

تعدد نگاه: آرزو به شکل مار و افعی است. ص ۸۹ س ۴-۳

بدی آرزو: ص ۴۱۵ س ۲.

دیوان:

ذم آرزو: آرزو شیوه آبستان است. ص ۴۰۹ س ۸

آرزوها را فرو رویم از دل که آرزو/ شیوه آبستان است و نه ما آبستیم.

۲-۱۲- مقید آرزوی وصال دوست:

۱- دیوان:

چو در کنار آرم ترا از دست نگذارم ترا/ چون جان و دل دارم ترا این آرزویم نیست و بس

ص ۹۰۴ س ۱۰

موارد مشابه با تعدد نگاه: ص ۹۰۴ س ۶-۴، ص ۱۰۱۰ س ۱۴-۱۱ و ص ۱۰۱۱ س ۲

۲- حدیقه: عدم ذکر

۲-۱۳- مذمت آز- به صورت مطلق و عینی بیان شده است:

۱- آز در حدیقه:

حسب حال آنکه دیو آز مرا/ داشت یک چند در گذار مرا ص ۷۰۷ س ۶-۳

گرد آفاق گشته چون پرگار/ گرد گردان ز حرص دایره وار

شاه خرسندیم جمال نمود/ جمع و منع و طمع محال نمود

شدم اندر طلاب مال ملول/ از جهان و جهانیان مغرول

موارد مشابه با تعدد نگاه: ص ۱۷۶ س ۷، ص ۲۹۷ س ۱۹-۱۷، ص ۳۰۷ س ۷، ص ۳۵۲ س ۹،

ص ۳۹۶ س ۱۴-۱۳، ص ۴۳۲ س ۸-۴-۳، ص ۴۳۲ س ۱۳-۱۲-۱۱، ص ۴۳۲ س ۲-۱.

۲- آز در دیوان:

از حرص و آز و شهوت دل را یگانه کن/ با نفس جنگجوی ره کار زار گیر ص ۲۹۶ س ۷